

بررسی رابطه دموکراسی و توسعه انسانی در کشورهای عضو اوپک

صادق بافنده ایماندوست*

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور

سمانه منتظری

کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه

ریزی دانشگاه فردوسی مشهد

ریحانه پایه دار

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۴

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۳۰

چکیده

دموکراسی یا مردم‌سالاری مفهومی دربرگیرنده مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های جامعه خود اعم از مشخص کردن ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آزادی ابراز عقاید، ایجاد ائتلاف‌های آزاد، حق اعتراض و ... می‌باشد. اثر ثروت و درآمد حاصل از منابع طبیعی بر نهادهای سیاسی و سطح دموکراسی یک کشور دارای این منابع، همواره از مهم‌ترین مسائل مطرح در تقاطع علوم سیاسی و اقتصادی بوده است. شاخص Polity2 که به نوع رژیم حاکم در کشورها اشاره دارد، نماینده‌ای از میزان دموکراسی در جوامع در نظر گرفته می‌شود. این مطالعه به دنبال آن است که با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ صحت و یا عدم صحت فرضیه‌ای مبنی بر وجود ارتباطی مثبت و معنی‌دار میان دموکراسی و شاخص توسعه انسانی در کشورهای عضو اوپک پردازد. نتایج برآورد حاکی از وجود یک ارتباط مستقیم و معنی‌دار میان دموکراسی و سطح توسعه انسانی کشورهای مورد مطالعه است.

کلید واژه‌ها: دموکراسی، توسعه انسانی، داده‌های تابلویی، کشورهای عضو اوپک.

طبقه بندی JEL: H11، H19، O15

۱. مقدمه

مباحث توسعه و دموکراسی از جمله موضوعاتی هستند که در چند دهه اخیر بسیار مورد توجه و مطالعه اندیشمندان سیاسی و اقتصادی بوده‌اند. دموکراسی واژه‌ای است که برای آن تعاریف و معادل‌های فراوانی یافت می‌شود و چنانچه لفت ویچ^۱ (۱۹۹۶) عنوان می‌کند در لغت به معنی «قدرت مردم» می‌باشد. دموکراسی، مشارکت مردم در مسائلی است که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Dreze & Sen, 1995: 11). البته این واژه دارای کاربرد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که آنچه در اینجا مدنظر است همان جنبه سیاسی آن می‌باشد. توسعه دارای اجزای گوناگونی از جمله رشد اقتصادی، توزیع درآمد، توسعه انسانی و ... می‌باشد. توسعه انسانی به افزایش رفاه کل جامعه بویژه شهروندان محروم اشاره دارد، در واقع این متغیر کیفیت زندگی انسان‌ها را نشان می‌دهد (Gerring, Thacker & Alfaro, 2012: 1-17). در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط محبوب الحق^۲، اولین شاخص توسعه انسانی منتشر گردید که مرکب از سه بعد اساسی بوده و طبق اعلام برنامه توسعه سازمان ملل این ابعاد شامل: سرانه تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی و سطح با سوادی افراد می‌باشد. در این مطالعه تلاش بر این است که به بررسی ارتباط میان دو متغیر دموکراسی و توسعه انسانی با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته شود. بحث مورد نظر پاسخ به این پرسش است که آیا وجود دموکراسی در یک کشور می‌تواند به توسعه انسانی منجر شود یا خیر؟ در شماری از مقالات و کتب منتشر شده در این حوزه وجود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار از سوی توسعه به طرف دموکراسی اثبات شده است که از جمله آن می‌توان به دیدگاه لیپست^۳ اشاره کرد که معتقد است هر چه ملتی از رفاه بیشتر برخوردار باشد فرصت‌ها و امکانات بیشتری برای حفظ دموکراسی دارد (Lipset, 1959:69). برخی مخالفان وجود رابطه مثبت میان این دو متغیر نیز معتقدند که ملاک توسعه رشد است. رشدی که خود نیازمند مازاد اقتصادی برای انجام سرمایه‌گذاری بیشتر می‌باشد و این رشد وقتی محقق می‌شود که به جای حضور مردم در امور سیاسی یک حکومت سیاسی

1 - Leftwich

2 - Mahbob Ul Haq

3 - Lipset

بائبات، منظم و مقتدر وجود داشته باشد (Sorensen, 1997: 12-25). اما آیا توسعه به درستی تنها به این امر بستگی دارد؟ مسلماً عده زیادی سرمایه‌گذاری دموکراتیک را در برآوردن احتیاجات اولیه نیروی انسانی برای توسعه اقتصادی مفید می‌دانند.

در این میان دال^۱ (۲۰۰۰)، کشورهایی را که حکومت دموکراتیک دارند بیش از آن‌هایی که غیردموکراتیک هستند دارای رونق می‌داند. همچنین با توجه به نظرات او، آزادی عمومی، تحول انسانی، برابری سیاسی و رونق، نتایج حکومت‌های دموکراتیک هستند که با تأمل در هر یک از آنها می‌توان گفت در صورت دستیابی حقیقی کشوری به دموکراسی، زمینه‌های توسعه و از جمله توسعه انسانی در آن به صورت خودکار در بلندمدت فراهم می‌شود (Dahl, 2000: 11-14). از دیگر دیدگاه‌ها در این باب می‌توان به دیدگاه لفت‌ویچ (۱۹۹۶) مبنی بر پذیرش رابطه‌ای مثبت از سوی دموکراسی به توسعه انسانی اشاره کرد که بیان می‌دارد: دموکراسی گرایش بر مشارکت مردم دارد و برای دستیابی به این امر باید شرایط اجتماعی که نیازهای جمعیت را محقق می‌سازد، ایجاد گردد. این بدین معناست که نابرابری‌های اجتماعی در جوامعی که نظام دموکراتیک دارند کمتر می‌باشد.

۱-۱. ضرورت و هدف تحقیق

اهمیت موضوعاتی از این دست در مورد کشورهایی که از نظر منابع طبیعی خاصی غنی هستند بسیار ملموس است. به عنوان مثال، کشورهای دارای منابع نفتی، زمانی که قیمت‌های نفت بالاست از اقتدار و قدرت سیاسی بالایی برخوردارند، زیرا می‌توانند با انتقال عواید حاصل از منابع نفتی خود به شهروندان به طرق مختلف حمایت‌های سیاسی بیشتری را از آن خود کنند، اما از طرف دیگر می‌توانند از همین منابع در راستای سرکوب مخالفان حکومت با اتصال به زور استفاده نمایند (Wacziarg, 2011: 1-17). تابحال در برخی مطالعات تأثیرپذیری نهادهای سیاسی و دموکراسی کشورهای نفتی، علی‌الخصوص آن‌هایی که سهم صادرات خالص نفتی بیشتری نسبت به GDP دارند تأیید گردیده است. به عنوان مثال در این نوع کشورها با افزایش قیمت‌های

بین‌المللی نفت (به دنبال یک شوک مثبت در قیمت نفت) دچار بهبود در نهادهای دموکراتیک و یا افزایش سطح دموکراسی می‌گردند (Markus, Ciccone & Tesei, 2012:389). از این رو هدف این مطالعه این است که درستی فرضیه مقابل را تحقیق کند "ارتباط مثبتی میان دموکراسی و توسعه انسانی کشورهای عضو اوپک وجود دارد". اگرچه بسیاری از پژوهش‌های پیشین شواهد مختلفی بر وجود ارتباط بین دموکراسی و رشد اقتصادی کشورها ارائه داده‌اند، در این تحقیق سعی شده است میزان ارتباط بین دموکراسی و توسعه انسانی (به عنوان یکی از مصادیق توسعه) برآورد گردد.

سازمان‌دهی مطالعه حاضر به قرار ذیل است:

در قسمت ۲ به مروری بر پژوهش‌های انجام شده در اقصی نقاط جهان در رابطه با موضوع مورد بحث پرداخته خواهد شد. در قسمت ۳ الگوی استفاده شده در این مطالعه در قالب یک معادله رگرسیون و سپس متغیرهای مورد استفاده در الگو و روش تحقیق ارائه خواهند شد. در قسمت ۴ که مهم‌ترین بخش مطالعه حاضر است، نتایج حاصل از انجام آزمون‌های مختلف از جمله آزمون اثرات ثابت و تصادفی بحث می‌شود و نهایتاً در قسمت ۵، به جمع بندی نتایج و یافته‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۲. پیشینه تحقیق

در مطالعه‌ای در بانک جهانی که توسط ولمر و زیگلر^۱ تهیه شده است، تأثیر نهادهای سیاسی بر روی بعد و اندازه غیردرآمدی توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها تئوری خود را بر اساس حقایق تجربی در دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۷۰ از طریق رهیافت داده‌های تابلویی مورد سنجش قرار داده‌اند و الگوی آن‌ها وجود یک رابطه مثبت بین سیستم دموکراتیک و توسعه انسانی را تأیید کرده که شاخص‌های توسعه انسانی در این الگو شامل امید به زندگی و نرخ باسوادی بوده‌اند (Vollmer & Ziegler, 2009:48).

الیسون^۲ به این موضوع اذعان دارد که توسعه، حقوق بشر و امنیت انسانی سه عاملی هستند که

1 - Vollmer & Ziegler

2 - Eliasson

در سطح بالایی با هم در تقابلند. او بیان می‌دارد که یکی از معضلات اساسی، فقدان احترام به حقوق بشر و دموکراسی می‌باشد و تنها راه حل رشد دموکراسی وجود یک رابطه میان مردم و دولت‌های آن‌ها بر اساس صداقت، پاسخگویی و عزم و اراده می‌باشد تا بتوان به نتایج اجرایی دست یافت (Eliasson, 2006:730).

با توجه به یک سری از مطالعات انجام شده، دموکراسی سطح کیفیت زندگی را برای شهروندان هر کشوری ارتقا می‌دهد. اما تحقیقات اخیر تناقضاتی را در این رابطه نشان می‌دهند. گرینگ و همکاران^۱ به بررسی گسترش یک جریان از مسیرهای تصادفی در میان اینکه دموکراسی باید رفاه اجتماعی را بهبود بخشد می‌پردازند و همچنین به تحلیل دو فرضیه پرداخته اند: الف) سطح دموکراسی هر کشور در سال داده شده بر سطح توسعه انسانی آن اثر می‌گذارد؛ ب) موجودی دموکراسی در خلال قرن گذشته بر سطوح توسعه انسانی اثر گذار است. آنها به دلایل اندک و کم‌اهمیت برای اثبات فرضیه اول و یک حمایت قابل توجه برای فرضیه دوم دست یافتند (Gerring et al., 2012:1-17).

کوهن^۲، معتقد است مارکسیست‌ها در مورد اهمیت شرایط اقتصادی دموکراسی بسیار حساس اند و معتقدند که همه ترتیبات اجتماعی را بنیان اقتصادی تعیین می‌کند و سپس نتیجه می‌گیرند که دموکراسی نیز باید شالوده اقتصادی داشته باشد که البته این دیدگاه کاملاً اقتصادی مارکسیست‌ها، نمی‌تواند منطقی باشد. اما آنچه مسلم است رابطه معین و مثبتی بین دموکراسی و مسائل اقتصادی وجود دارد و چنانچه از این بررسی برمی‌آید، این رابطه از دموکراسی به سوی توسعه انسانی نیز قابل اثبات بوده است (Cohen, 1994: 102).

لکچرر^۳، در مقاله خود بیان می‌دارد که تفاوت زیادی بین ملت‌هایی با رژیم مقتدر و پادشاهی و آنها که حقوق بشر و دموکراسی را بر پا کرده‌اند وجود دارد. او با بیان اینکه نیجری‌ها با گذراندن سال‌های پر درد و رنجی از وجود یک ارتش غیردموکراتیک به این نتیجه رسیده‌اند که دموکراسی و حقوق بشر موضوعات مناسب و قابل بررسی‌ای برای رشد و ترقی می‌باشد

1 - Gerring

2- Cohen

3 - Lecturer

(Lecturer, 2008:27).

تأثیر دموکراتیک شدن بر رشد اقتصادی موضوعی است که هثو و همکارانش^۱ (۲۰۱۲) بر روی آن مطالعه نموده‌اند. نتایج حاصل از کار آن‌ها نشان می‌دهد که تمرکز اولیه بر حکومت‌های تازه دموکراتیک شده در آسیا کاملاً شبیه به اقتصادهای اجرایی می‌باشد. آنها پس از بررسی‌های کمی نتیجه می‌گیرند که در مراحل اولیه دموکراتیک شدن تأثیر بر رشد اقتصادی منفی و البته غیرمعنی‌دار می‌باشد، که این امر بطور کلی وجود ارتباط میان دموکراسی و رشد اقتصادی در کشورهای آسیایی را نقض می‌نماید (Heo et al., 2012:21-45). این در حالی است که پرزورسکی و همکارانش^۲، نیز در تحقیق خود عنوان می‌کنند که هیچ دلیلی در این خصوص وجود ندارد که احتمال گذار به دموکراسی در صورت برخورداری از توسعه اقتصادی بالاتر بیشتر باشد، اما آنچه در مورد کشورهای ثروتمند و نفت‌خیز حوزه خلیج فارس اتفاق افتاد، یافته‌ها و نظرات آن‌ها را مورد تردید قرار داد (Przeworski et al., 2005:92-103). در این میان عاصم اوغلو^۳ (۲۰۰۵)، نیز بیان می‌دارد که دموکراسی حتماً رشد اقتصادی را حتی در کوتاه‌مدت، تضمین نمی‌کند (Acemoglu, 2005).

از سوی دیگر می‌توان به بررسی دیدگاه لیپست پرداخت که معتقد است توسعه اقتصادی در کشورهای دموکراتیک از درجه بالاتری برخوردار است. از نظر وی توسعه اقتصادی زمینه افزایش درآمد و امنیت و گسترش تحصیلات را فراهم می‌کند که خود شالوده دموکراسی را پی‌ریزی می‌نماید (Lipset, 1959:69). اینگل هارت و ولزل^۴ می‌نویسند: نوسازی اقتصاد اجتماعی، جهشی فرهنگی و رو به جلو در ارزش‌های ابزار عقیده و دموکرات شدن، همگی بازتابی از یک فرآیند کم‌اهمیت در ترکیبات دو جانبه مستحکم هستند. آن دو بر این عقیده‌اند که دموکراتیک شدن یک هسته ترکیبی از توسعه انسانی است (Inglehart & Welzel, 2006: 114).

"دموکراسی و رشد اقتصادی" عنوان مطالعه‌ای است که در دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۶۰ توسط

1- Heo et al

2- Przeworski

3- Acemoglu

4- Inglehart&Welzel

کوراگو و سیموز^۱، بر روی کشور پرتغال انجام گرفته است. آن‌ها با استفاده از مدل VAR با چهار متغیر: درآمد، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و یک شاخص از دموکراسی به آزمون تصادفی میان دو فاکتور رشد اقتصادی و دموکراسی پرداخته‌اند. تحلیل‌های آن‌ها بیانگر این است که دموکراسی در کوتاه‌مدت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد ولی در بلندمدت این اثر مثبت می‌باشد (Corujo & Simoes, 2012:512) سکمن و ازکان^۲، همین دو عامل را میان برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و اروپای شرقی مورد سنجش قرار دادند. نتایج مدل آن‌ها با استفاده از روش داده‌های تابلویی بیانگر این است که سطح دموکراسی تأثیری بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته ندارد و در کشورهای اروپای شرقی تأثیر آن بطور منفی ادامه دارد (Sekmen & Ozkan, 2012:1270-5).

محمود و همکارانش^۳ با توجه به مطالعات موردی خود در پاکستان به این نتیجه رسیدند که دموکراسی بطور قوی و معنی دار بر سرعت رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. آن‌ها برای رسیدن به هدف خود از روش ARDL بهره جسته و از مشاهدات ۳۸ سال برای تحلیل‌های خود استفاده کردند (Mahmood, 2010:77).

لیبمن^۴ در مقاله‌ای به مطالعه موردی در روسیه در زمینه دموکراسی، بروکراسی و رشد اقتصادی پرداخته است. او به این نتیجه رسیده است که یک رابطه غیرخطی در میان این دو عامل وجود دارد و آنچه مسلم است آن است که حکومت‌های مستقل و متمرکز بهتر از حکومت‌های چندحزبی و غیرمتمرکز عمل کرده‌اند (Libman, 2011). مطالعه‌ای که در آن رابطه میان این دو عامل به صورت دوسویه مورد بررسی قرار گرفته توسط کومار و همکارانش^۵ انجام شده است. این تحقیق که بر روی ۳۰ کشور جنوب آفریقا صورت گرفته است، اثبات می‌کند که افزایش GDP در بلندمدت (رشد اقتصادی بلندمدت) باعث افزایش در دموکراسی شده و همچنین یک افزایش در دموکراسی بر روی درآمد بلندمدت نیز همان تأثیر را بر جای گذاشته است. به دیگر

1- Corujo&Simoes

2 - Sekmen & Ozkan

3 - Mahmood

4 - Libman

5 - Kumar

کلام رابطه‌ای دوسویه بین دموکراسی و رشد اقتصادی را در کشورهای مذکور نتیجه می‌گیرند).
 (Kumar et al., 2011:900)
 در نهایت بر طبق نظرات لیتی و ویدمن^۱ حکومت‌های ناکارآمد و غیرمردم‌سالار از درآمدهای نفتی برای سرپوش گذاشتن بر تخصص و لیاقت در جامعه استفاده می‌کنند که این تاکتیک را در اقتصاد سیاسی «اثر مدرن‌سازی»^۲ گویند. در ایران گرچه از حیث عوامل ساختاری و درازمدت از جمله توسعه اقتصادی، گسترش آموزش و ارتباطات، نوسازی اجتماعی و پیدایش جامعه مدنی، زمینه مناسب برای گذار به دموکراسی فراهم آمده است، اما از حیث عوامل سیاسی و کوتاه‌مدت گذار مورد نظر دچار مشکل گردیده است (Leite & Weidmann, 1999).

۳-۱. تصریح مدل و روش شناسی تحقیق

برای بررسی صحت و یا عدم صحت فرضیه موجود در این تحقیق مبنی بر "وجود ارتباطی مستقیم و معنی‌دار میان دموکراسی و شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو اوپک" که از مبانی نظری موجود در این حوزه استخراج گردیده است، از الگویی به صورت ذیل استفاده شده است:

$$HDR_{it} = \alpha + \mu_i + \lambda_t + \beta_1 LNlif_{it} + \beta_2 POL2_{it} + \beta_3 RCO_{it} + \beta_4 COR_{it} + V_{it}$$

α : عرض از مبدا، μ_i مشخصه مقاطع و λ_t مشخصه زمان‌هاست.

HDR_{it} : شاخص توسعه انسانی کشورها که عبارتست از فرآیند گسترش انتخاب‌های مردم. این انتخاب‌ها نامحدود و در طول زمان متغیر خواهند بود اما در تمام سطوح توسعه، سه مورد ضروری و حیاتی آن‌ها عبارتند از داشتن یک زندگی طولانی و سلامت توسط مردم، کسب آموزش و دسترسی به منابع به منظور شرایط مناسب زندگی (Human Development Research Paper, 2011).

$LNlif_{it}$: لگاریتم نپین امید به زندگی افراد در بدو تولد که عبارتست از میانگین تعداد سال‌هایی که یک فرد با در نظر گرفتن نرخ کنونی مرگ و میر انتظار دارد زندگی کند که از ارکان سازنده توسعه انسانی می‌باشد^۳ (متغیر کنترل). لازم به ذکر است اطلاعات مربوط به این متغیر

1 - Leite & Weidmann

2 - Modernization Effect

3 - <http://socialreport.ms.govt.nz/health/life-expectancy.html>

بعلاوه شاخص توسعه انسانی کشورها از گزارش‌های توسعه انسانی انتشار یافته توسط UNDP گردآوری شده است.

POL2_{it}: طرز حکومت و اداره کشورها را نشان می‌دهد (Polity IV Project Home Page, 2012). از این شاخص در مطالعات مختلف از جمله گرینگ و همکاران (۲۰۱۲) به عنوان نماینده‌ای از سطح دموکراسی کشورها استفاده شده است.

این متغیر شامل کیفیت همزمان قدرت دموکراتیک و استبدادی در نهادهای حکومتی کشورهاست که تنها حکمرانی منحصر به فرد را نشان نمی‌دهد.^۱ بسیاری در تمیز مفاهیم polity2 و حکمرانی خوب^۲ دچار اشتباه شده، آن دو را به جای یکدیگر به کار می‌برند، درحالی‌که حکمرانی عبارتست از "مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و نیز فرآیندی مستمر از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2002).

شاخص Polity2 از تفاضل متغیرهای دموکراسی و اتوکراسی^۳ محاسبه شده است که شامل مقادیر بین ۱۰- (سلطنت موروثی^۴) و ۱۰+ (دموکراسی تثبیت شده^۵) می‌باشد.

COR_{it}: شاخص کنترل فساد^۶ در کشورها که از جمله شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد و عبارتست از "کاهش قدرت عمومی به منظور جلوگیری از کسب منافع خصوصی و ایجاد فساد" (کافمن و همکاران^۷، ۲۰۰۹). اطلاعات این متغیر از آمار شاخص‌های حکمرانی موجود در بانک جهانی جمع‌آوری گردیده است (متغیر کنترل).

RCO_{it}: شاخصی موزون ساخته شده از ۳ مورد از ویژگی‌های حاکمیت در هر کشور که این

1- Polity IV Project: Home Page (2012)

2- Good- Governance

3- Autocracy

4- Hereditary monarchy

5- Consolidated democracy

6- Control of Corruption

7- Kaufmann et al.

اجزا عبارتند از: مقررات استخدام و اجرایی^۱، رقابت پذیری استخدام اجرایی^۲ و درجه باز بودن استخدام اجرایی^۳، که به طور کلی به وجود قوانین و مقررات، رقابت پذیری و حق اظهار نظر و انتخاب مدیران ارشد و مسئولان دستگاه اجرایی در کشورها را از طریق برگزاری انتخابات اشاره دارد و با مقیاس ۰ تا ۱۰ و گاهی اوقات نیز با ۶۶-، ۷۷- و ۸۸- که به ترتیب برای دوره‌های توقف حکومت کشورهای اشغال شده توسط دیگر کشورها، جنگ و نفاق داخلی و کاهش نفوذ حکومت مرکزی و ایجاد نهادهای جدید در زمان کنوانسیون قانون اساسی و رفراندوم استفاده می‌شوند، سنجیده می‌شود (Polity IV Project, 2011). آمار این متغیر و POL2 از پایگاه Polity IV استخراج گردیده است (متغیر کنترل).

V_{it} : جزء اخلاص الگو

۴-۱. جامعه آماری و روند برآورد

جامعه آماری استفاده شده در این مدل شامل ۱۲ کشور صادر کننده نفت (عضو اوپک) در بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ می‌باشد. روش تحقیق استفاده شده در برآوردها در این تحقیق داده‌های تابلویی است، همچنین به منظور برآورد این مدل از نرم افزارهای Stata (11.0) و Eviews (7.0) استفاده شده است.

۵-۱. نتایج برآورد^۴

اما قبل از هر چیز لازم است تا از وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها و کاذب نبودن الگو اطمینان حاصل کرد. برای این منظور آزمون هم‌انباشتگی کائو^۵ استفاده می‌گردد. مقدار آماره t در آزمون کائو برابر (۱/۹۴۶) و مقدار P_value ، برابر با (۰/۰۲) به دست آمده است که وجود

- 1- Regulation of Chief Executive Recruitment (XRREG)
- 2- Competitiveness of Executive Recruitment (XRCOMP)
- 3- Openness of Executive Recruitment (XROPEN)

۴- لازم به ذکر است برآورد ها در این مطالعه بر اساس مطالب مندرج در کتاب بالتاجی (۲۰۰۸) با عنوان "تحلیل اقتصاد سنجی پانل دیتا" انجام خواهد گرفت.

- 5- Kao Co-integration Test

هم‌انباشتگی و بنابراین وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت میان شاخص توسعه انسانی کشورها و سایر متغیرهای توضیحی الگو را تأیید می‌کند. از این رو جایی برای نگرانی در مورد ناپایایی متغیرها وجود نخواهد داشت. حال برای انتخاب نوع الگوی مورد مطالعه اعم از اثرات ثابت و یا تصادفی باید از آزمون هاسمن^۱ استفاده گردد. بدین منظور از آزمون m_1 و m_2 هاسمن که دارای آماره کای دو می‌باشند، استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از انجام این آزمون در جدول ۱ نمایش داده شده است:

جدول (۱): نتایج آزمون هاسمن

P-Value	آماره کای دو (۴)	آزمون هاسمن
۰/۰۰۰	۴۹/۹۷	m_1
۰/۰۰۰	۱۵۷/۳۵	m_2

منبع. محاسبات تحقیق (سطح اطمینان ۰/۹۵)

همان طور که نشان داده شده است در هر دو آزمون m_1 و m_2 هاسمن آماره کای دو با درجه آزادی ۴ مقادیر قابل توجهی را به خود اختصاص داده است، بنابراین امکان پذیرش فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی در الگو با سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود نخواهد داشت یا به عبارت دیگر مدل استفاده در این مطالعه از نوع اثرات ثابت می‌باشد. سپس به منظور آگاهی از ابعاد الگوی مورد مطالعه نیز از آزمون بروش پاگان^۲ استفاده گردید که با محاسبه مقدار آماره $130/48$ و مقدار بحرانی $5/99$ فرضیه صفر^۳ این آزمون مبنی بر عدم وجود اثرات در مقاطع (کشورها) و زمان‌ها (سال‌ها) رد می‌شود. از این رو دو جانبه بودن الگو تأیید می‌گردد.

۱- آماره و فرض صفر در آزمون هاسمن به صورت زیر است: (بالتاجی، ۲۰۰۸)

$$m_1 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N \frac{(\sum_{j=1}^N y_{ij} - N \bar{y}_i)^2}{\sum_{j=1}^N (y_{ij} - \bar{y}_i)^2} \quad H_0: E(U_{it}|X_{it}) = 0,$$

2 - Breusch- Pagan Test

۳- آماره و فرضیه صفر این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$F_{Breusch-Pagan} = \frac{NRS - 3RS^2 / (N-3)}{RS^2 / (N-3)} \quad H_0: \begin{cases} \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_{N-1} = 0 \\ \gamma_1 = \gamma_2 = \dots = \gamma_{T-1} = 0 \end{cases}$$

حاصل برآورد الگوی دو جانبه با اثرات ثابت به صورت زیر است:

جدول (۲): نتایج برآورد الگوی دو جانبه با اثرات ثابت

COR	RCO	POL2	Lnlif	
۰/۰۰۰۱	۰/۱۱	۰/۰۰۹	۰/۱۳	Within(Fixed-Fixed)
(۰/۱۶۶)	(۸/۲۶)	(۲/۷۱)	(۲/۷۰)	
				$۰/۹۸R^2 =$

منبع. محاسبات تحقیق (سطح اطمینان ۰/۹۵)

۲. جمع بندی

این مطالعه به بررسی تأثیر دموکراسی (رژیم حکومتی) کشورهای عضو اوپک بر میزان شاخص توسعه انسانی (به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی) در بازه زمانی ۱۵ ساله (۲۰۱۰-۱۹۹۶) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و نرم افزارهای Eviews 7.0 و Stata11.0 می‌پردازد. الگوی به دست آمده بر اساس نتایج آزمون‌های هاسمن و بروش- پاگان از نوع دو جانبه با اثرات ثابت است که با قدرت توضیح‌دهندگی ۰/۹۸ رابطه مثبت و معنی‌دار متغیر توضیحی اصلی در این الگو (Polity2) را بر میزان شاخص توسعه انسانی کشورها تأیید و بنابراین فرضیه موجود در این الگو دال بر ارتباط مثبت و معنی‌دار میان آن‌ها پذیرفته می‌گردد. دموکراسی، توسعه، احترام به حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی شدیداً به هم وابسته و بطور متقابل تقویت‌کننده یکدیگر می‌باشند. به‌طور کلی دموکراسی بر پایه اراده آزاد مردم در بیان و انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موردنظر مشارکت کامل در تمامی جوانب زندگی خویش استوار است. متغیر Polity2 که در این مطالعه به عنوان نماینده‌ای از نوع رژیم حکومتی (از سلطنت مطلق تا دموکراسی) کشورهای نفت‌خیز می‌باشد، از موارد مشخص‌کننده سطح توسعه‌یافتگی انسان‌ها در آن جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، ارزش‌های آزادی، احترام به حقوق انسانی، و برگزاری انتخابات ادواری و سالم با حق رأی همگانی از نتایج اجتناب‌ناپذیر مردم‌سالاری در کشورها می‌باشند. با وجود دموکراسی، محیطی طبیعی برای حمایت و تحقق حقوق بشر فراهم شده که جزء لاینفک توسعه انسانی در جوامع می‌باشد. در کشور های نفت‌خیز چنانچه در مطالعات افرادی چون فریدمن (۲۰۰۶) و یا وازیارگ (۲۰۱۱) اثبات می‌شود، رابطه معکوسی میان قیمت‌های

نفت خام و سطح دموکراسی و آزادی‌های سیاسی وجود دارد. به عبارت دیگر، بر اساس این مطالعات و نتایج حاصل از برآورد در مطالعه حاضر می‌توان اظهار داشت با افزایش قیمت نفت، از میزان مردم‌سالاری در کشورهای نفت خیز کاسته شده و در نتیجه تأثیر منفی بر کیفیت زندگی مردم و رفاه اجتماعی آنان در این جوامع خواهد گذاشت. کشورهای عضو اوپک با توجه به ویژگی منحصر به فردی که نسبت به سایر کشورها داشته و نقشی اساسی را در مسائل اقتصادی و سیاسی جهان بازی می‌کنند، بسیار مورد توجه و ارزیابی محققان قرار می‌گیرند. اما کاری که در این مقاله صورت گرفته و توجه خاصی که به این کشورها در زمینه دموکراسی و توسعه انسانی مبذول شده تاکنون مشاهده نشده است. این اهمیت ما را بر آن می‌دارد تا بر طبق نتایج تحقیق حاضر در پی رسیدن به یک سری نتایج و راه کارهای کاربردی برای گروه مورد بررسی باشیم. متأسفانه پراکندگی جغرافیایی این کشورها و همچنین داشتن وجه اشتراک‌های مختصر، ما را از اظهار نظرهای کلی باز می‌دارد، اما آنچه که مسلم است این است که تمامی آن‌ها با قرار گرفتن در مسیری برای رسیدن به یک سطح قابل قبول از توسعه انسانی در طول سال‌های مورد مطالعه، توانسته‌اند که تا حدودی به شاخص‌های مورد نظر دست پیدا کنند. البته از نقطه نظر دموکراسی نمی‌توان یک اظهار نظر قطعی داشت، چرا که بر مبنای شاخص‌ها، در میان این کشورها برخی هنوز نتوانسته‌اند خود را از بندهای حکومت‌های اقتدارگرا رهایی دهند. وجود ارتباطی مثبت و مستقیم در میان عوامل مورد نظر، بیانگر این مهم است که اگر کشورهای مذکور در پی رسیدن حقیقی به یک سطح ایده‌آل از زندگی مردم خویش هستند باید شرایط لازم و نهادهای اساسی را برای نیل به اهداف دموکراسی و مشارکت مردمی در کشورهای خود فراهم نمایند و تا حد امکان تمرکزشان را از منافع حاصل از منابع نفتی خود بکاهند.

یادداشت

- این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

References

- 1- Acemoglu, D. Robinson, J. A. (2005). *Economic Origins of Dictatorship and Democracy*. Cambridge University Press.
- 2- Baltagi, B. H. (2008). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons.

- Sons Ltd, 4th edition
- 3- Cohen, C. (1994). Democracy. peccub – university of Georgia. press Athens.P102 Linked to: www.systemicpeace.org
 - 4- Corujo, A. S. Simoes, M. (2012). Democracy and Economic Growth. Transit Study World Transition Economic Research 18: 512-528.
 - 5- Dahl, A. R. (2000). On Democracy. Yale University Press, 11-14.
 - 6- Dreze, J. Sen, A. (1995). Economic development and social opportunity. India: Oxford University Press.
 - 7- Eliasson, J. (2006). Democracy, Conflict and Human security. International Institute for Democracy and Electoral Assistance, SE-730,34, Stockholm, Sweden.
 - 8- Friedman, T. (2006). The First Law of Petropolitics. *Foreign Policy*, 154, 28–39
 - 9- Gerring, J. Thacker, S.C. Rodrigo, A. (2012). Democracy and Human Development. *Journal of Politics*, Vol. 74, (1), 1–17.
 - 10- Hayek, F. (1982). Law, Legislation and Liberty. The Political Order of a Free People, London
 - 11- Heo, U.k. Hahm, S. D. Dohee, K. (2012). The impact of democratization on economic growth. Korea Observer, 21-45.
 - 12- Inglehart, R. Christian, W. (2006). Public support for democracy, A Core component of Human development. Prepared for UNDP-LAPOP Workshop, Vanderbilt University.P114
 - 13- Kaufmann, D. Kraay, A. Massimo, M. (2009). Governance Matters VIII Aggregate and Individual Governance Indicators 1996–2008. *Policy Research Working Paper* 4978
 - 14- Klugman, J. Rodríguez, F. Hyung-Jin, Ch. (2011). Human Development Research Paper. United Nations Development Programme.
 - 15- Kumar, N. Seema, N. Russell, S. (2011). Does Democracy Facilitate Economic Growth or Does Economic Growth Facilitate Democracy?. *Economic Modeling* (28), 900-910.
 - 16- Lecturer, S. (2008). Human Rights, democracy and development. *Research Journal of International studies*, Issue8: 27-41.
 - 17- Leftwich, A. (1996). Democracy and Development. polity press, USA.
 - 18- Leite, C. Weidmann, J. (1999). Does Mother Nature corrupt? Natural Resources, Corruption and Economic Growth. IMF working paper, Washington, No,99/85.
 - 19- Libman, A. (2011). Democracy,Size of Bureaucracy and Economic Growth. EMPIRE Economics, spring –verlag.
 - 20- Lipset, M.S. (1959). Some Social Requisites of Democracy. *The American political science Review*, (53): 69-105.
 - 21- Mahmood, Kh. Azid, T. Siddiqui, S. Mashkoor, M. (2010). Democracy and Economic Growth in Pakistan. *Research Journal of International Studies*, (15): 77-86.
 - 22- Markus, B. Ciccone, A. Tesei, A. (2012). Oil Price Shocks, Income, and

- Democracy. *Review of Economics and Statistics*, (94) 2, 389- 399
- 23- Marshall, M.G. Jaggers, K. G. Robert, T. (2011). Polity™ IV Project, Political Regime Characteristics and Transitions. 1800-2010, Dataset Users' Manual.
- 24- Mirsepassi, A. (2002). Democracy or Truth. A Sociological Studies on Iranian Intellectuals, Professor of New York University, Tehran, Tarh-e No.
- 25- Oscar, T. R. (2009). panel data Analysis fixed & random effects, Ver 4.1.
- 26- Przeworski, A. [Alvarez, M. E.](#) [Cheibub, J. A.](#) [Limongi, F.](#) (2000). Democracy and Development: political Institutions and well- being in the world. Cambridge University press, 92-103.
- 27- Sekmen, F. Flizo, O. (2012). Relationship Between Democracy and Economic Growth. *African Journal of Business management*, 6(4), 1270-1275.
- 28- Sorensen, G. (1997). Democracy and Democratization. West view press, world politics, 12-25.
- 29- UN-HABITAT. (2002). Global Campaign on Urban Governance: Concept Paper, 2nd Edition, Nairobi 3.
- 30- UIHaq, M. (1998). Reflections on human development. Expanded Version, Oxford.
- 31- Vollmer, S. Ziegler, M. (2009). Does Democracy Fulfill its Constructive Political Institutions and Human Development?. *Policy Research working paper* 4818
- 32- Wacziarg, R. (2011). The First Law of Petropolitics. *Economica*, The London School of Economics and Political Science, 1-17.
- 33- United Nations Development Programme. (1990). Human Development Report, New York, www.undp.org
- 34- Polity IV Project: Home Page, <http://www.systemicpeace.org/polity/polity4.htm> <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>

پیوست

داده‌های تحقیق

کشور	سال	مقطع	HDR	Inlif	POL2	RCO	COR
اکوادور	1996	1	0.76	4.23	0.90	0.333333	20.97561
اکوادور	1997	1	0.78	4.24	0.80	0.266667	
اکوادور	1998	1	0.77	4.24	0.90	0.333333	12.68293
اکوادور	1999	1	0.75	4.24	0.90	0.333333	
اکوادور	2000	1	0.72	4.24	0.60	0.266667	10.2439
اکوادور	2001	1	0.73	4.25	0.60	0.266667	
اکوادور	2002	1	0.73	4.25	0.60	0.266667	14.63415
اکوادور	2003	1	0.73	4.26	0.60	0.266667	22.92683
اکوادور	2004	1	0.74	4.26	0.60	0.266667	28.78049
اکوادور	2005	1	0.76	4.31	0.60	0.266667	27.80488
اکوادور	2006	1	0.77	4.31	0.70	0.333333	21.46341
اکوادور	2007	1	0.77	4.31	0.50	0.333333	19.90291
اکوادور	2008	1	0.77	4.31	0.50	0.333333	22.3301
اکوادور	2009	1	0.81	4.32	0.50	0.333333	19.61722
اکوادور	2010	1	0.70	4.32	0.50	0.333333	20.09569
الجزایر	1996	2	0.75	4.21	-0.30	0.233333	32.68293
الجزایر	1997	2	0.74	4.22	-0.30	0.233333	
الجزایر	1998	2	0.75	4.22	-0.30	0.233333	15.12195
الجزایر	1999	2	0.67	4.23	-0.30	0.233333	
الجزایر	2000	2	0.68	4.24	-0.30	0.233333	14.63415
الجزایر	2001	2	0.69	4.24	-0.30	0.233333	
الجزایر	2002	2	0.70	4.24	-0.30	0.233333	20.97561
الجزایر	2003	2	0.70	4.24	-0.30	0.233333	30.73171
الجزایر	2004	2	0.70	4.24	0.20	0.066667	29.7561
الجزایر	2005	2	0.72	4.26	0.20	0.066667	40.4878
الجزایر	2006	2	0.73	4.27	0.20	0.066667	39.02439
الجزایر	2007	2	0.73	4.27	0.20	0.066667	36.8932

الجزایر	2008	2	0.73	4.27	0.20	0.066667	34.46602
الجزایر	2009	2	0.75	4.28	0.20	0.066667	34.92823
الجزایر	2010	2	0.68	4.29	0.20	0.066667	37.79904
امارات	1996	3	0.86	4.30	-0.80	0.2	55.12195
امارات	1997	3	0.87	4.31	-0.80	0.2	
امارات	1998	3	0.86	4.31	-0.80	0.2	57.56098
امارات	1999	3	0.81	4.31	-0.80	0.2	
امارات	2000	3	0.81	4.32	-0.80	0.2	63.90244
امارات	2001	3	0.81	4.31	-0.80	0.2	
امارات	2002	3	0.81	4.32	-0.80	0.2	84.39024
امارات	2003	3	0.82	4.31	-0.80	0.2	81.46341
امارات	2004	3	0.82	4.31	-0.80	0.2	84.87805
امارات	2005	3	0.85	4.36	-0.80	0.2	82.92683
امارات	2006	3	0.84	4.36	-0.80	0.2	79.5122
امارات	2007	3	0.87	4.36	-0.80	0.2	82.52427
امارات	2008	3	0.87	4.36	-0.80	0.2	83.98058
امارات	2009	3	0.90	4.35	-0.80	0.2	80.86124
امارات	2010	3	0.82	4.35	-0.80	0.2	80.38278
آنگولا	1996	4	0.28	3.85	-0.20	-0.88	7.317073
آنگولا	1997	4	0.34	3.85	-0.30	0.233333	
آنگولا	1998	4	0.34	3.86	-0.30	0.233333	2.439024
آنگولا	1999	4	0.40	-0.80	46.50	0.233333	
آنگولا	2000	4	0.41	3.85	-0.30	0.233333	2.439024
آنگولا	2001	4	0.42	3.81	-0.30	0.233333	
آنگولا	2002	4	0.40	3.81	-0.20	0.233333	7.804878
آنگولا	2003	4	0.38	3.69	-0.20	0.233333	4.390244
آنگولا	2004	4	0.38	3.69	-0.20	0.233333	6.341463
آنگولا	2005	4	0.45	3.71	-0.20	0.233333	6.341463
آنگولا	2006	4	0.44	3.71	-0.20	0.233333	7.804878
آنگولا	2007	4	0.45	3.73	-0.20	0.233333	4.368932
آنگولا	2008	4	0.45	3.73	-0.20	0.233333	4.854369
آنگولا	2009	4	0.56	3.84	-0.20	0.233333	2.392344
آنگولا	2010	4	0.40	3.87	-0.20	0.233333	3.827751
ایران	1996	5	0.75	4.22	-0.60	0.233333	27.80488

ایران	1997	5	0.78	4.22	0.30	0.266667	
ایران	1998	5	0.76	4.23	0.30	0.266667	26.34146
ایران	1999	5	0.72	4.24	0.30	0.266667	
ایران	2000	5	0.71	4.24	0.30	0.266667	32.19512
ایران	2001	5	0.71	4.23	0.30	0.266667	
ایران	2002	5	0.72	4.23	0.30	0.266667	49.7561
ایران	2003	5	0.72		0.30	0.266667	47.31707
ایران	2004	5	0.73	4.25	-0.60	0.233333	46.82927
ایران	2005	5	0.74	4.25	-0.60	0.233333	40.97561
ایران	2006	5	0.75	4.26	-0.60	0.233333	38.53659
ایران	2007	5	0.76	4.25	-0.60	0.233333	39.80583
ایران	2008	5	0.76	4.25	-0.60	0.233333	27.6699
ایران	2009	5	0.78	4.27	-0.70	0.233333	24.88038
ایران	2010	5	0.70	4.28	-0.70	0.233333	19.61722
عراق	1996	6	0.60	4.19	-0.90	0.233333	2.439024
عراق	1997	6	0.53	4.04	-0.90	0.233333	
عراق	1998	6	0.54	4.07	-0.90	0.233333	3.902439
عراق	1999	6	0.59	4.13	-0.90	0.233333	
عراق	2000	6	0.54	-0.62	63.80	0.233333	2.926829
عراق	2001	6			-0.90	0.233333	
عراق	2002	6			-0.90	0.233333	1.95122
عراق	2003	6			0.00	-0.66	8.292683
عراق	2004	6			0.00	-0.66	1.463415
عراق	2005	6			0.00	-0.66	1.463415
عراق	2006	6			0.00	-0.66	1.463415
عراق	2007	6			0.00	-0.66	1.456311
عراق	2008	6			0.00	-0.66	1.456311
عراق	2009	6		4.22	0.00	-0.66	3.349282
عراق	2010	6		4.23	0.00	0.266667	4.784689
عربستان	1996	7	0.77	4.25	-0.10	0.166667	28.29268
عربستان	1997	7	0.77	4.25	-0.10	0.166667	
عربستان	1998	7	0.78	4.26	-0.10	0.166667	29.26829
عربستان	1999	7	0.74	4.27	-0.10	0.166667	
عربستان	2000	7	0.75	4.27	-0.10	0.166667	40

عربستان	2001	7	0.75	4.27	-0.10	0.166667	
عربستان	2002	7	0.76	4.27	-0.10	0.166667	60
عربستان	2003	7	0.77	4.28	-0.10	0.166667	50.73171
عربستان	2004	7	0.77	4.28	-0.10	0.166667	45.36585
عربستان	2005	7	0.77	4.27	-0.10	0.166667	52.68293
عربستان	2006	7	0.78	4.28	-0.10	0.166667	49.7561
عربستان	2007	7	0.81	4.28	-0.10	0.166667	52.91262
عربستان	2008	7	0.81	4.28	-0.10	0.166667	57.76699
عربستان	2009	7	0.84	4.29	-0.10	0.166667	60.76555
عربستان	2010	7	0.75	4.29	-0.10	0.166667	62.20096
قطر	1996	8	0.84	4.26	-0.10	0.166667	55.12195
قطر	1997	8	0.84	4.26	-0.10	0.166667	
قطر	1998	8	0.84	4.26	-0.10	0.166667	74.14634
قطر	1999	8	0.81	4.27	-0.10	0.166667	
قطر	2000	8	0.82	4.28	-0.10	0.166667	76.09756
قطر	2001	8	0.80	4.24	-0.10	0.166667	
قطر	2002	8	0.80	4.24	-0.10	0.166667	77.07317
قطر	2003	8	0.83	4.27	-0.10	0.166667	73.17073
قطر	2004	8	0.83	4.28	-0.10	0.166667	72.68293
قطر	2005	8	0.85	4.29	-0.10	0.166667	78.53659
قطر	2006	8	0.84	4.29	-0.10	0.166667	75.60976
قطر	2007	8	0.88	4.32	-0.10	0.166667	75.24272
قطر	2008	8	0.88	4.32	-0.10	0.166667	83.00971
قطر	2009	8	0.91	4.32	-0.10	0.166667	92.3445
قطر	2010	8	0.80	4.33	-0.10	0.166667	91.38756
کویت	1996	9	0.84	4.32	-0.70	0.2	78.04878
کویت	1997	9	0.84	4.32	-0.70	0.2	
کویت	1998	9	0.85	4.32	-0.70	0.2	79.02439
کویت	1999	9	0.83	4.33	-0.70	0.2	
کویت	2000	9	0.84	4.33	-0.70	0.2	80.97561
کویت	2001	9	0.82	4.33	-0.70	0.2	
کویت	2002	9	0.81	4.33	-0.70	0.2	83.90244
کویت	2003	9	0.82	4.33	-0.70	0.2	82.43902
کویت	2004	9	0.84	4.34	-0.70	0.2	81.46341

کویت	2005	9	0.84	4.34	-0.70	0.2	72.19512
کویت	2006	9	0.87	4.35	-0.70	0.2	71.21951
کویت	2007	9	0.89	4.35	-0.70	0.2	70.87379
کویت	2008	9	0.89	4.35	-0.70	0.2	72.81553
کویت	2009	9	0.92	4.35	-0.70	0.2	66.98565
کویت	2010	9	0.77	4.36	-0.70	0.2	66.98565
لیبی	1996	10	0.79	4.15	-0.70	0.066667	25.85366
لیبی	1997	10	0.80	4.16	-0.70	0.066667	
لیبی	1998	10	0.81	4.16	-0.70	0.066667	23.41463
لیبی	1999	10	0.76	4.25	-0.70	0.033333	
لیبی	2000	10	0.76	4.25	-0.70	0.033333	26.34146
لیبی	2001	10	0.77	4.25	-0.70	0.033333	
لیبی	2002	10	0.77	4.26	-0.70	0.033333	18.04878
لیبی	2003	10	0.78	4.28	-0.70	0.033333	21.46341
لیبی	2004	10	0.79	4.28	-0.70	0.033333	21.95122
لیبی	2005	10	0.80	4.30	-0.70	0.033333	19.02439
لیبی	2006	10	0.80	4.30	-0.70	0.033333	13.65854
لیبی	2007	10	0.82	4.30	-0.70	0.033333	14.56311
لیبی	2008	10	0.82	4.30	-0.70	0.033333	19.41748
لیبی	2009	10	0.85	4.30	-0.70	0.033333	8.61244
لیبی	2010	10	0.76	4.31	-0.70	0.033333	6.220096
نیجریه	1996	11	0.40	3.92	-0.60	0.033333	8.780488
نیجریه	1997	11	0.39	3.93	-0.60	0.033333	
نیجریه	1998	11	0.39	3.94	-0.10	-0.88	10.2439
نیجریه	1999	11	0.46	3.91	0.40	0.266667	
نیجریه	2000	11	0.44	3.91	0.40	0.266667	6.829268
نیجریه	2001	11	0.46	3.94	0.40	0.266667	
نیجریه	2002	11	0.46	3.95	0.40	0.266667	1.463415
نیجریه	2003	11	0.46	3.95	0.40	0.266667	4.878049
نیجریه	2004	11	0.47	3.94	0.40	0.266667	6.829268
نیجریه	2005	11	0.45	3.77	0.40	0.266667	11.70732
نیجریه	2006	11	0.45	3.77	0.40	0.266667	11.70732
نیجریه	2007	11	0.47	3.84	0.40	0.266667	16.01942
نیجریه	2008	11	0.47	3.84	0.40	0.266667	21.35922

نیجریه	2009	11	0.51	3.86	0.40	0.266667	17.22488
نیجریه	2010	11	0.42	3.88	0.40	0.266667	15.78947
ونزوئلا	1996	12	0.86	4.27	0.80	0.333333	20.4878
ونزوئلا	1997	12	0.86	4.28	0.80	0.333333	
ونزوئلا	1998	12	0.86	4.28	0.80	0.333333	16.09756
ونزوئلا	1999	12	0.79	4.28	0.70	0.333333	
ونزوئلا	2000	12	0.77	4.28	0.70	0.333333	33.65854
ونزوئلا	2001	12	0.77	4.29	0.60	0.333333	
ونزوئلا	2002	12	0.77	4.29	0.60	0.333333	11.70732
ونزوئلا	2003	12	0.78	4.30	0.60	0.333333	12.68293
ونزوئلا	2004	12	0.78	4.30	0.60	0.333333	18.04878
ونزوئلا	2005	12	0.77	4.29	0.60	0.333333	18.04878
ونزوئلا	2006	12	0.78	4.29	0.50	0.333333	16.58537
ونزوئلا	2007	12	0.79	4.29	0.50	0.333333	12.13592
ونزوئلا	2008	12	0.79	4.29	0.50	0.333333	10.67961
ونزوئلا	2009	12	0.84	4.30	-0.30	0.233333	8.133971
ونزوئلا	2010	12	0.70	4.31	-0.30	0.233333	7.177033

ماخذ: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>